

گلستان شیخ سعدی در برقرار حقوق بشر
(মানবধিকার প্রতিষ্ঠায় শেখ সা'দীর গুলিস্তান)

[Sheikh Sadi's *Gulistan* in Establishing Human Rights]

Dr. Md. Shafiullah

Professor, Department of Persian Language & Literature, University of Rajshahi, Bangladesh

ARTICLE INFORMATION

The Faculty Journal of Arts
Rajshahi University
Special Volume-7
ISSN: 1813-0402 (Print)

Received : 16 February 2025
Received in revised: 22 April 2025
Accepted: 16 March 2025
Published: 25 October 2025

Keywords:
Human Rights, Morality, Empathy, Justice,
Simplicity, Wisdom .

ABSTRACT

Musharraf-ud-Din Sheikh Sadi is one the greatest poets and unquestionably the most popular Persian writer. He was born at Shiraz in 1184 A.D. His popular prose work *Gulistan* is the greatest literary work written in 1258 A.D. It is the product of the poet's ripe experience and matured wisdom which he gathered during the thirty years, travel in Asia and Africa. It deals with ethics, moral lessons. Politics, state administration and sociology. Human kindness and humors displayed in Sadi's *Gulistan*, made him, the most Lovable writer in the world of Iranian Culture. His nobility of thought and pure morals, made it easy for him to produce his master-piece, the *Gulistan*. The whole book is interspersed with a variety of charming little poems containing advice and humorous reflections. As regards the literary style of the *Gulistan*, the work is singular and unique and a fine Model of simplicity Combined with elegance of Style and beauty of expression. Sadi states in his *Gulistan* proper guidance in human life, Matters which incorporate to human welfare directly or indirectly and all related national and excellent discussion. The *Gulistan* especially is a rich store of clever tales and charming anecdotes, contains moral lessons and contains lessons of practical wisdom which are capable to develop of moral education. Sheikh Sadi's *Gulistan* is a masterpiece that embodies the principles of human rights through its advocacy for justice, empathy and equality. Its timeless wisdom continues to inspire readers and serves as a moral guide for fostering a more compassionate and just world. Sadi's vision of humanaty, as expressed in *Gulistan*, remains a cornerstone for understanding and promoting universal human rights. In this article, about the Sheikh Sadi's *Gulistan* in establishing human rights Will be discussed.]

[چکیده : مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی یکی از بزرگترین شاعران ایران است. وی در حدود سال ۶۰۵ یا ۶۰۶ هجری در شیراز متولد شده. سعدی کتاب گلستان را در سال ۶۵۶ هجری ق. نوشته و کتاب بوستان را در سال ۶۵۵ هجری ق. نوشته است. او با نگارش کتاب گلستان و بوستان در کشورهای اسلامی و در تمام عالم علم و ادب شهرت یافته است. کتاب گلستان و بوستان از همان عصر نگارش تا کنون، کتاب درسی بوده است و تقریباً به تمام زبانهای عالم ترجمه شده است. سعدی بوسیله این کتاب از آن نیکبختان است که در زمان خود حتی از اوان جوانی صیت شهرت خود را شنید. سبک گلستان سعدی در نظم و نثر مورد تقلید بسی از گویندگان ایران گردید و کتابها از منظوم و منثور در تتبع شیو او بوجود آمده اند که از آنجمله می توان در تتبع گلستان از بهارستان جامی و نگارستان معین الدین جوینی و پریشان قانی نام برد. ولی نثر سعدی به هیچ یک از آنها مانند نیست و به حق می توان گفت یک نوع اعجازی در این کتاب هست. بعضی از متأخرین مانند جامی و قانی که لطافت ذوقی داشته اند، درصدد تقلید گلستان بر آمده اند، ولی الحق نوشته های آن ها با سعدی از زمین تا آسمان تفاوت دارد. کتاب گلستان در حقیقت کتابی است که در موضوعات اخلاقی را روشن کرده و آموزش اخلاقی را بوجود آورده است. در این مقاله موضوعات بر قرار حقوق بشری را از کتاب گلستان بررسی کرده شده است.]

سعدی: مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی یکی از ستاره های قدراول آسمان ادب ایران است که نظم و نثر بدیع او زبان فارسی را با اعلی درجه فصاحت رسانید و بهترین نمونه بلاغت را بدست داد.^۱ درباره شیخ سعدی، پروین شکیبا گفته است: "اگر در تاریخ ادبیات، بخواهیم استادانی را برگزینیم که صاحب سبک و مسلک و ابتکارند و از مرحله تقلید گذشته اند، بدون تردید، یکی از آنان، سعدی شیرازی است."^۲ در باره اسم اصلی شیخ سعدی روایت گوناگون است. اسم سعدی بر حسب نقل حمد الله مستوفی که تقریباً چهل سال پس از وفات سعدی، کتاب خود را نوشته و بنا به روایت جامی در نفحات الانس، که نام اصلی او مصلح و نام پدرش عبدالله و لقب او براساس گفته خود سعدی، لقبش مشرف الدین است، ولی دولت شاه می گوید لقب وی شیخ مصلح الدین است.^۳ E.G Brown گفته است که نام کامل او مشرف الدین بن مصلح الدین عبدالله بوده است.^۴ ولی سعدی در سرا سر جهان بنام شیخ سعدی معروف و مشهور پیدا شده است.

شیخ سعدی کتاب گلستان را در سال ۶۵۶ ه.ق نوشته و خطاب به خویشتن گفته است:

ای که پنجاه رفت و در خوابی * مگر این پنج روزه در یابی

بنا بر حسب این بیت میتوان گفت که تاریخ تولد سعدی حدود در سال ۶۰۶ بوده است. اجداد سعدی اهل علم و دانش بوده و در علوم دینی اشتغال داشته اند. چنانکه فرمود:

همه قبیله من عالمان دین بودند * مرا معلم عشق تو شاعری آموخت.^۵

سعدی در شیراز تحصیلات را آغاز کرد. سپس به بغداد رهسپار شد و در آنجا در مدرسه معروف نظامیه و در دیگر محافل علمی کسب فضایل و علوم نمود.^۶ شیخ سعدی در اوایل جوانی از نوازش پدر محروم گردید، چنانکه خود گوید:

مرا باشد از حال طفلان خبر * که در طفلی از سر برفتم پدر
من آنکه سر تاجور داشتم * که سر در کنار پدر داشتم.^۷

سعدی جهانگردی آغاز نمود و مسافرتی که بین سی تا چهل سال طول کشید. در این مدت سفر طولانی، مصر، بغداد و سوریه و مکه را تا شمال آفریقا گشت و شهرهای مختلف و مذاهب و ملت های گوناگون بدید. او کاشغر و هند و ترکستان را هم بدید. بعد از این سفر طولانی و سیر در آفاق و انفس، شاعر جهان دیده با یک دنیا تجارب معنوی و افکار ورزیده، سوی شیراز برگشت و در این حین در آنجا ممدوح و حامی او اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳- هجری ق. ۶۶۸) حکومت می کرد و رفاه و امان حاصل بود چنانکه گفت:

چو باز آمدم کشور آسوده دیدم * پلنگان رها کرده خوی پلنگی
چنان بود در عهد اول که دیدی * جهانی پر آشوب و تشویش و تنگی
چنین شد در ایام سلطان عادل * اتابک ابو بکر سعد بن زنگی.^۸

بعد از سفر طولانی، سعدی فراغت جست و میل به تألیفات و تصنیفات نمود و سرودها و گفته های خود را گرد آورد بوستان و گلستان را نوشت و اشعار و قطعات خود را فراهم ساخت. سعدی از آن نیکبختان است که در زمان خود حتی از اوان جوانی صیت شهرت خود را شنید و این ناموری او در زمان ابو بکر به اوج رسید چنانکه در بوستان ذکر نموده است:

که سعدی که گوی بلاغت ربود * در آیام بو بکر بن سعد بود.^۹

در این موقع یعنی به سال هجری ق. ۶۵۵ بوستان را به رشته نظم و تألیف کشید، چنانکه خود گوید:

ز ششصد فزون بود پنجاه و پنج * که من گفتم این نامبردار گنج.^{۱۰}

بعد از نوشتن بوستان یک سال بعد گلستان را تصنیف کرد چنانکه در مقدمه آن گفت:

در آن مدت که ما را وقت خوش بود * ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود.^{۱۱}

کتاب گلستان : سعدی به وسیله کتاب گلستان، نه تنها در ایران، بلکه در دیگر کشورهای اسلامی و در تمام عالم علم و ادب از همان عصر خودش تاکنون جزو سخنگویان نامدار به شمار آمده و افکار و اشعار او را از روی شوق و رغبت جستجو کرده اند.^{۱۲}

کتاب گلستان تقریباً به تمام زبانهای عالم نقل شده و نامش زبانزد آگاهان جهان است.^{۱۳} در باره کتاب گلستان پروین شکبیا گفته است : "گلستان در حقیقت کتابی است در آموزش و پرورش و هدف اغلب حکایات و امثال آن، ادب و تربیت و تهذیب نفس است."^{۱۴}

کتاب گلستان مشتمل بر هشت باب است. هشت باب را در زیر به ترتیب ذکر نموده است: باب اول در سیرت پادشاهان، باب دوم در اخلاق درویشان، باب سوم در فضیلت قناعت، باب چهارم در فوائد خاموشی، باب پنجم در عشق و جوانی، باب ششم در ضعف پیری، باب هفتم در تأثیر تربیت، باب هشتم در آداب صحبت. از هر باب کتاب گلستان، موارد مربوط به حقوق بشر را به طور نمونه ذکر می کنیم:

باب اول در سیرت پادشاهان : اولین حکایت این باب این است که: حکایت پادشاهی را شنیدم که به کشتن اسیری اشارت کرد بیچاره در آن حالت نومیدی به زبانی که داشت ملک را دشنام دادن گرفت. آن وقت پادشاه از یکی از وزراء پرسید که این نفر چه می گوید؟ یکی از وزراء نیک محضر گفت ای خداوند همی گوید: والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس. پادشاه وقتی که این جواب را شنید دردلش رحمت آمد و از سر خون او دست برداشت.

وزیر دیگر که مخالف او بود گفت ابنای جنس ما را نشاید به پیش پادشاهان جز برآستی سخن گفتن، او پادشاه را دشنام داد و نا سزا گفت. آن وقت پادشاه روی از این سخن درهم کشید و گفت آن دروغ که وی گفت پسندیده تر آمد مرا از این راست که تو گفتی که روی آن در مصلحتی بود و بنای این بر خبیثی "و خردمندان گفته اند که دروغ مصلحت آمیز به از راستی فتنه انگیز."^{۱۵} در این حکایت سه نوع شخصیت وجود دارد؛ یک شخصیت پادشاه، دو شخصیت وزیر، سه شخصیت اسیر. در این حکایت یک آموزش اخلاقی و حقوق انسانی و نجات جان انسان روشنتر شده است که وقتی بنی آدم کاری انجام می دهد آن وقت برای مردم چیزی که در بر قرار حقوق بشر، خیرخواهانه، خیرآمیز و مصلحت آمیز می شود، آن کار را انجام بدهد. اگر کاری که برای مردم با عث نقصان و فتنه انگیزی می شود، آن کار را ترک کند. در این حکایت اگرچه وزیر اول برای نجات دادن یک اسیر دروغ گفته، وزیر دوم برای کشتن اسیر راست گفته. در این حکایت به نزدیک خردمندان دروغ گفتن وزیر اول را پسندیده تر آمد از راست گفتن وزیر دوم، برای اینکه در پایان حکایت گفته شده است که دروغ مصلحت آمیز، به از راستی فتنه انگیز. این جمله اخلاقی موافق یک حدیث رسول (ص.) است. در حدیث رسول خدا (ص.) فرموده است: "الفتنة اشد من القتل." در هر حکایت سعدی نصیحتی وجود دارد. در این حکایت شیخ سعدی به وزرا را اشاره کرده ولی حرفش نصیحت کردن مردم بوده است :

هر که شاه آن کند که او گوید * حیف باشد که جز نکو گوید.^{۱۶}

این قطعه فقط برای وزرا نیست بلکه برای بنی آدم ساخته شده است. یعنی کاری که برای مردم مصلحت آمیز و خیرآمیز است، باید همان انجام بدهند. در این مثنوی به پادشاه را اشاره کرده، ولی همه طبقات مردم را نصیحت کرده که:

جهان ای برادر نماند به کس * دل اندر جهان آفرین بند و بس.
مکن تکیه بر ملک و دنیا پُشت * که بسیار کس چون تو پرورد و کُشت
چو آهنگ رفتن کند جان پاک * چه بر تخت مردن چه بر روی خاک^{۱۷}

در این مثنوی این سخن روشن تر شده است که آدم همیشه باید در انجام دادن کارها به آخرت را فکری کند و تقوی را به کار ببرد. یعنی همیشه عبادت خداوند را بکند. شیخ سعدی این مثنوی را به تتبع از آئی قرآن ساخته است. و در پایان این مثنوی به کار آخرت تاکید کرده و نتیجه کار آخرت را بیشتر اهمیت داده است. در قرآن مجید خداوند متعال فرموده است: *كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفُّونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنْ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ*^{۱۸}

باب دوم در اخلاق درویشان : باب دوم در اخلاق درویشان چنانکه از باب نام معلوم می شود، موضوعات اخلاقی را روشنتر کرده است. به طور نمونه آموزش اخلاقی، اولین حکایت این باب را این ذکر نموده است: "یکی از بزرگان گفت پارسایی را، چه گویی در حق فلان عابد، که دیگران در حق وی به طعنه سخنها گفته اند؟ گفت بر ظاهرش عیب نمی بینم و در باطنش نمی دانم." در این حکایت اخلاق عابد را اشاره کرده بنی آدم را اخلاقی خوبی آموخته است. اگر بنی آدم به چشم خودش عیب کس را نمی بیند بر ظاهرش عیب نمی گیرد، برای اینکه بنی آدم عیب را نمی داند. در این حکایت سه نوع شخصیت وجود دارد: یک- آدم محقق، دو- پارسا، سه- عابد. در این حکایت کسی از یک آدم پرهیزگار در باره یک عابد پرسیده که مردم این عابد را دشنام داده اند و به طعنه سخنها گفته اند. شما چه می گوید؟ در باره این عابد؟ آدم پرهیزگار جواب داد که من هیچ عیب بر ظاهرش نمی بینم و در باره باطنش هیچ نمی دانم، زیرا که به جز خداوند هیچ کس عیب نمی داند. در پایان این حکایت سعدی در قطعه ای نصیحت داده که:

هر که را جامه پارسا بینی * پارسادان و نیکمرد انگار
ورندانی که در نهانش چیست * محتسب را درون خانه چه کار.^{۱۹}

در این قطعه سعدی گفته که کسی اگر درباره کسی چیزی می خواهد بداند، درباره آن کس به راستی اطلاع بدهید و هرگز درباره درونش سخن نگوئید؛ زیرا که شما عیب نمی دانید. کسی اگر وظیفه می گیرد که خانه را شماره بکند، برای آن کس درون خانه چه چیزهایی وجود دارند، آن چیزها را شماره کردن بیهوده است. از این حکایت گلستان این اخلاق آموزشی بیاموزیم که ما عیب مردم را جستجو نکنیم و هرگز به مردم بدگمانی نکنیم همیشه اخلاقی خوب مردم را به پیش دیگران بیان کنیم.

باب سوم در فضیلت قناعت : قناعت یکی از مهمترین زیورهای اخلاقی مردم است. سر تا سر باب سوم درباره فضیلت قناعت بیان شده است. در این باب اولین حکایت را به طور نمونه آموزش اخلاقی ذکر گردیده است. "خواهنده مغربی در صف بزازان حلب می گفت: ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت، رسم سوال از جهان بر خاستی"^{۲۰}. در این حکایت یک بنده تنگدستی به نزدیک پارچه فروش شهر مشهور شام گفت که ای ثروتمندان و توانگران اگر شما با انصاف مزد تنگدستی را می دادید و از طرف دیگر، ما اگر قناعت را بکار می بردیم رسم سوال یا گدایی از بین می رفت؛ در پایان این حکایت شیخ سعدی با قطعه ای نصیحت داده:

ای قناعت توانگرم گردان * که ورائ تو هیچ نعمت نیست

کنج صبر اختیار لقمان است * هرکه را صبر نیست حکمت نیست.^{۲۱}

دراین قطعه فضیلت قناعت و صبر را به خوبی بیان کرده است. دراین قطعه گفته است که هیچ نعمت، از نعمت قناعت صبر بزرگتر نیست. از این حکایت، این اخلاقی را بیاموزیم که گدایی یا درخواست کردن بدترین عیب ها است. این عیب را ما با ید به قناعت تبدیل بکنیم.

باب چهارم در فوائد خاموشی : در سراسر این باب سعدی اهمیت فوائد خاموشی را به خوبی بیان کرده است. خاموش ماندن عمده ترین اخلاق مردم است. به طور نمونه، اولین حکایت چنین بیان شده است، حکایت: "یکی از دوستان را گفتم: امتناع سخن گفتنم به علّت آن اختیار آمده است که غالب اوقات در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده دشمنان جز بریدی نمی آید، گفت ای برادر دشمن آن به که نیکی نبیند."^{۲۲} دراین حکایت سعدی یکی از دوستانش را پند داده که در بیشتر اوقات و در بیشتر حالات خاموشی را اختیار کردن بهتر است، به جای چیزی گفتن. زیرا که در بیشتر اوقات در بیان کردن سخن نیک سخن بد هم از دهان بیرون می آید. آن وقت آن سخن باعث دشمنی می شود. درچشم دشمنان در سخن نیک هم بدی می افتد، زیرا که چشم دشمنان جز بریدی نمی افتد. ازاین علّت سعدی به دوستانش پند داده که ای برادر برای دشمن آن بهتر است که به پیش دشمن هیچ سخن نگویند. زیرا که در سخن نیک هم سخن بد بیرون می آید. آن وقت چشم دشمنان بر بدی می افتد. در پایان این حکایت سعدی پند داده:

هنر به چشم عداوت بزرگتر عیب است * گل است سعدی و در چشم دشمنان خارا است.^{۲۳}

دراین شعر گفته شده است که دانش و عقل و هنر به چشم دشمن بزرگترین خطا است. بدین علّت هنر را به پیش دشمن ظا هر کردن هم بزرگترین عیب است. ما از این حکایت و پند سعدی این آموزش اخلاقی بیاموزیم که بیشتر اوقات خاموشی را اختیار کنیم.

باب پنجم در عشق و جوانی : باب پنجم در باره عشق و جوانی است. درحکایات این باب، نیکی و بدی، عشق و جوانی بیان شده و بعد از آن سخنان خردمندان آورده شده است. سپس درباره خوبی عشق و جوانی، با پند و نصیحت سخن گفته است. به طور نمونه اولین حکایت این باب چنین ذکر شده است:

"حسن میمندی را گفتند : سلطان محمود چندین بنده صاحب جمال دارد که هریکی بدیع جهانی اند چگونه افتاده است که با هیچ کدام ازایشان میلی و محبتی ندارد چنانکه با ایاز، با آنکه زیادت حسنی ندارد؟ گفت: هرچه در دل فرود آید در دیده نکو نماید"^{۲۴}. دراین حکایت گفته شده است که حسن میمندی وزیرکه نخست سلطان محمود، بود از او مردم پرسیدند که چرا ایاز که غلام سلطان محمود است، سلطان محمود او را بیشتر محبتی دارد درحالی که سلطان محمود چندین بنده صاحب جمال دارد که هر یکی بدیع جهانی اند؟ طرف دیگر، ایاز زیادت خوب صورتی ندارد! آن وقت حسن میمندی جواب داد که هرچه درباطن به نظر زیبا آید، درظاهرش نکو نماید. در پایان این حکایت سعدی پند داده:

هرکه سلطان مرید او باشد * گر همه بد کند نکو باشد

وآنکه را پادشه بیند ازد * گسش از خیل خانه نوازد.^{۲۵}

دراین مثنوی گفته شده است که کسی که به نزدیک سلطان عزیز می باشد همه کار به چشم سلطان خوب است. اگر کار بدی انجام دهد آن کار بد هم به چشم سلطان نکو باشد.

باب ششم در حالت ضعف پیری : مفهوم اولین حکایت این باب این است که آدم در حالت ضعف و پیری هم نمی خواهد که بمیرد. در این حالت آدمی باید که سیرت بزرگان را بخواند و خودش را آماده بکند برای زندگی آخرت. آن وقت کارِ نکو را انجام بدهد و رضامندی خداوند تعالی جستجو بکند. در حالت ضعف و پیری مردم پیر به دنیا بیشتر تعلقات پیدا می کنند و در دل ایشان اموردنیوی بیشترجا می گیرد ولی باید دل را به چیزهای جالبی را که خدا آفریده است، یعنی به طرف خداوند متعال ببندد. در حالت ضعف و پیری، اکثر اوقات آدمی باید در ذکر خداوند متعال و فکر آخرت را همیشه در دلش جای بدهد.

باب هفتم در تأثیر تربیت : در این باب درباره تربیت اخلاقی بیشتر حکایت بیان شده است. تربیت یک نوع آموزش از انواع آموزش است. یک دفعه تربیت آموزش بهتر از هزار بار علم آموختن در آن موضوع. مثلاً گفته شده است که: "شنیدن کی بود مانند دیدن". برای اینکه تربیت بکاربردن مهمتر از علم آموختن درباره هر چیزی است. اگر انسان نخواهد که انسان بزرگی بشود. لازم است که اول کار آموزش اخلاقی را بپذیرد. اگر اخلاقی را به خوبی بکار برد انسان کامل می شود. همه باید تربیت را در حالت کودکی بپذیرند. برای اینکه وقتی آدم بزرگ می شود آن وقت نمی تواند تربیت را به خوبی بپذیرد. چنانکه شیخ سعدی در باب هفتم در تأثیر تربیت گفته است:

هر که در خردیش ادب نکنی * در بزرگی فلاح ازو بر خاست

چوب تر را چنانکه خواهی پیچ * نشود خشک جز به آتش راست.^{۲۶}

در باب هفتم در حکایت دوم گفته شده است که: یک حکیم پسرش را همیشه پند می داد که علم و هنر آموز، که ملک و دولت قابل اعتماد نیست. ملک و دولت پاینده نیست. اگر اتفاق بدی افتد ملک و دولت از دست می رود. توانگری و ثروتمندی هم قابل اعتماد نیست. اگر اتفاق بدی بیفتد سیم و زر را دزد می برد یا ضایع می شود اما علم و هنر زنده و پاینده است. اگر هنرمند از دولت بیفتد غمگین و پریشان نباشد، که علم و هنر در نفس خود دولت است. هر جا که می رود قدر ببند و بر صدر نشیند و مردم بی علم و هنر سختی ببند. چنانچه شیخ سعدی گفته است:

روستازادگان دانشمند * به وزیری پادشاه رفتند

پسران وزیر ناقص عقل * به گدائی به روستا رفتند.^{۲۷}

مفهوم این حکایت این است که بر دولت پدر و مادر اعتماد کردن ماده ذاتی را بر باد دادن و علم و هنر را نیاموختن، احمقی و نادانی است. از این حکایت ما این اخلاق بیاموزیم که علم و هنر دولت زاینده و پاینده است. برای این که علم و هنر را به خوبی بیاموزیم. در همه حکایات این باب موضوعات اخلاقی آموخته شده است.

باب هشتم در آداب صحبت : این باب از مهمترین ابواب گلستان است. در این باب بیشتر پند و نصیحت وجود دارد. در این پند و نصیحت چیزهای خیر خواه بنی آدم است. در این باب فقط مسلمانان را پند و نصیحت ها نداده، بلکه به انسان یا بنی آدم پند و نصیحت داده شده است. این باب پر از حکمت است. در این باب حکایت گفته نشده است. این باب پر از سخن های حکمت آمیز است. هر رشته این باب خیلی اهمیت دارد. بیشتر سخنان این باب در موضوعات گوناگون گفته شده است. از این باب به طور نمونه دو، سه تا حکمت را ذکر می کنیم: "مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال عاقلی را پرسیدند که نیکبخت کیست و بد بخت چیست؟ گفت: نیکبخت آنکه خورد و کشت و بد بخت آنکه مُرد و هشت.^{۲۸}"

"مال برای آسایش زندگی است مال برای جمع کردن نیست. شخصی از یک خردمند پرسید که نیک بخت کدام کس است و بد بخت کدام کس است؟ ایشان جواب داد که خردمند آن کس است که مال خود را بخورد، مردم را بدهد و در راه خدا بذل کند و بد بخت آن کس است که مال خود را نخورد، کسی را هم ندهد و در راه خدا بذل نمی کند و عاقبت در این حالت از دنیا برود. سعدی درباره این حکمت در یک قطعه گفته است:

آنکس که به دینار و درم خیر نیندوخت * سر عاقبت اندر سر دینار و درم کرد
خواهی متمتع شوی از نعمت دنیا * با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد^{۲۹}

در یک حکمت دیگر سعدی گفته است: "دو کس رنج بیهوده بردند وسیعی بیفائده کردند. یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگری آنکه آموخت و نکرد"^{۳۰}

دو نوع کس بیهوده سعی و زحمت می کشند و بیهوده کوشش بکار می برند. یکی آن کس است که مال را جمع کرد، نخورد و نداد. و دیگر آن کس است که علم را آموخت و مطابق علم عمل نکرد.

در یکی دیگر از حکمتها سعدی گفته است که

"علم از بهر دین پروردن است نه از بهر دنیا خوردن"^{۳۱}

یعنی مقصود علم حاصل کردن عمل دینی است، برای کسب دنیا نیست.

در یک حکمت سعدی گفته است: "سه چیز پایدار نماند مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست."^{۳۲} یعنی سه چیز بدون سه چیز پایدار نماند: مال بدون تجارت و علم بدون بحث و ملک بدون سیاست.

در پایان این سخن می توان گفت که در این باب هزاران پند و نصیحت خیرخواهانه و مصلحت آمیز پند و نصیحت داده شده است. در باب هشتم در هر حکمت موضوع آموزش اخلاقی و برقراری حقوق بشر وجود دارد. این باب از لحاظ آموزش اخلاقی و برقراری حقوق بشر مهمترین باب گلستان است. در این باب موضوعات گوناگون آموزش اخلاقی بیان شده است. در این مقاله، همه موضوعات اخلاقی و مربوط به برقراری حقوق بشر را جای دادن ناممکن است. برای همین به طور نمونه از هر باب چند نکته از موضوعات اخلاقی و حقوق بشری نوشته شده است. کتاب گلستان سعدی یکی از مهمترین کتابهای اخلاقی جهان است. بدیع الزمان فروزانفر گلستان سعدی را از لحاظ سلاست عبارت و سلاست الفاظ و حسن تعبیر و تناسب معنا گفته است که: "در آخرین درجه فصاحت قرار گرفته و سعدی، دزی از سخن بر روی آیندگان گشوده، و با وجود این می توان گفت که در سخن را هم بسته است، زیرا تاکنون که از تألیف این نامه قریب هفت قرن می گذرد و فضیلت بسیار و نویسندگان کا مل در ایران پیدا شده اند، هنوز کسی مانند گلستان ننوشته است."^{۳۳}

از گلستان آنچه برای نمونه آورده شد دارای نکات نغز اجتماعی و اخلاقی و تربیتی است و این مزایاست که آن کتاب را سر حلقه ادبیات جهان قرار می دهد زیرا در هر باب مطالبی عمیق و سودمند که سرمشق زندگی تواند بود مندرج است. حقوق بشر چیست؟

حقوق بشر، حقوق ذاتی همه انسانها است که صرف نظر از نژاد، مذهب، رنگ پوست یا جنسیت، برای همه اعمال می شود. این حقوق، کرامت و احترام انسانی را تضمین کرده و فرست هایی را برای یک زندگی خوب ایجاد می کند.

حقوق از دیدگاه مختلف تعریف شده است

حقوق بشر حق مردم برای داشتن یک زندگی سالم و زیبا است.

حقوق بشر حق مردم برای دریافت فرصت هایی برای توسعه شخصی و خود شکوفایی، صرف نظرات نژاد، مذهب یا رنگ پوست است.

حقوق بشر حق یک فرد برای بر خورداری از کرامت است.

حقوق، احترام و امنیت درزندگی به عنوان یک انسان است.

الزامت حقوق بشر

طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد. همه انسان ها آزاد به دنیا می آیند و از نظر کرامت و حقوق با هم برابرند.

حقوق بشر زندگی انسان ها را بهتر و زیبا می کند.

ضرورت آن در زیر ذکر شده است

حقوق اساسی و حقوق بشر

حقوق بشر به داشتن یک زندگی مستقل و سالم و ساختن یک زیبا کمک می کند. نقش مهمی در پرورش صفات نیک انسانی دارد. مردم این حقوق را از خانواده، جامعه و دولت دریافت می کنند. از طریق فرصت های آموزشی، فرصت هایی برای زندگی با عزت و شایستگی در جامعه ایجاد می کند. با ایجاد هماهنگی بین مردم، به برقرار صلح در جامعه کمک می کند. گلستان سعدی، اثری ارزشمند در ادبیات فارسی، حاوی آموزه های اخلاقی و تربیتی فراوانی است که می توان آن ها را با مفاهیم حقوق بشر مرتبط دانست. این اثر به موضوعاتی چون عدالت، حقوق طبیعی انسان، و روابط انسان، و روابط حاکمان و مردم می پردازد. سعدی در گلستان به موضوعاتی اجتماعی و انسانی بسیاری پرداخته است. گلستان سعدی، سرشار از پند و اندرز است و به نوعی یک راهنمای عملی برای زندگی اخلاقی و اجتماعی به شمار می رود. سعدی در گلستان به اهمیت عدالت و مبارزه بل ظلم نیز اشاره دارد. وی پادشاه ظالم و زاهد بی عمل را دشمن دین و وطن می داند. از نظر سعدی، دنیا آنقدر ارزش ندارد که دلی را برنجانی. وی مدافع عدالت و یارو مظلومان است و به همین دلیل، در اشعارش به انتقاد از ظلم و ستم می پردازد.

دفاع از حقوق بشر وظیفه بسیار مهمی برای مردم است و برای انجام این عمل نیک، فرد باید صفات نیک انسانی را کسب کند و گلستان شیخ سعدی، مردم را با کمک وقایع جالب و واقع گرانه، به دستیابی به ویژگیهای خوب انسانی ترغیب می کند. در هر حادثه و داستانی از هشت باب گلستان، ویژگیهای نیک انسانی و حقوق بشری به زیبایی ارائه شده است که از آن موارد می توان در مورد حفظ حقوق بشر در زندگی شخصی، خانوادگی، اجتماعی و دولتی آموخت. با کسب دانش در مورد حمایت از حقوق بشر در زندگی شخصی، خانوادگی، اجتماعی و دولتی، وبا درک اهمیت این موضوع، فرد قادر خواهد بود خود را به عنوان یک شهروند خوب پرورش دهد و در عین حال، سهمی مهم، در حمایت از حقوق بشر داشته باشد. من کاملاً معتقدم که مردم می توانند خود را به عنوان شهروندان خوب پرورش دهند و در عین حال نقش مهمی در حفاظت از حقوق بشر ایفا کنند.

گلستان سعدی، یک اثر ارزشمند در زمینه حقوق بشر است. سعدی با زبانی ساده و روان، به مفاهیم مهمی همچون نوع دوستی، عدالت، آزادی، تربیت، و اخلاق می پردازد. آثار او، همچنان الهام بخش انسان ها در سراسر جهان هستند و می تواند به عنوان یک منبع ارزشمند برای آموزشی و ترویج بشر مورد استفاده قرار گیرد. یکی از مهمترین مفاهیم حقوق بشری که در گلستان سعدی به آن اشاره شده، نوع دوستی و احترام به همنوع است. شعر معروف سعدی، مهمترین کلام درباره حقوق بشر است "بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهراند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضو ها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی"³⁴

منابع و مآخذ

۱. دکتر رضازده شفق، *تاریخ ادبیات ایران*، انتشارات آهنگ ایران، چاپخانه آرمان چاپ اول، ۱۳۴۹ ه.ش. ص. ۲۴۸-۲۴۹.
۲. پروین شکیبیا، *شعر فارسی از آغاز تا امروز*، تهران: انتشارات هیرمند، چاپ دوم ۱۳۷۳ ه.ش. ص. ۱۲۳-۱۲۲.
۳. بدیع الزمان فروزانفر، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: انتشارات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه.ش. ص. ۳۶۵.
۴. میرزا مقبول بیگ بدخشانی، *ادب نامه ایران*، لاهور: تیمپول رود، نگارشات، چاپ دوم، ص. ۴۳۷.
۵. دکتر رضازده شفق، *تاریخ ادبیات ایران*، ص. ۲۴۹.
۶. پروین شکیبیا، *شعر فارسی از آغاز تا امروز*، ص. ۱۲۲.
۷. دکتر رضازده شفق، *تاریخ ادبیات ایران*، ص. ۲۵۰.
۸. همان، ص. ۲۵۱.
۹. همان.
۱۰. همان..
۱۱. همان.
۱۲. همان، ص. ۲۵۲.
۱۳. همان.
۱۴. پروین شکیبیا، *شعر فارسی از آغاز تا امروز*، ص. ۱۲۴-۱۲۳.
۱۵. سعدی، *گلستان*، ناشر: اشرفیه بک هاؤس، داکا: بنغلا بازار. ص. ۱۷-۱۸.
۱۶. سعدی، *گلستان*، ص. ۱۸۰.
۱۷. سعدی، *گلستان*، ص. ۱۹.
۱۸. القرآن الکریم- سورة ال عمران: آیه- ۱۸۵
۱۹. *گلستان سعدی*، ص. ۶۶.
۲۰. همان، ص. ۱۰۶-۱۰۵.
۲۱. همان، ص. ۱۰۶.
۲۲. همان، ص. ۱۳۹-۱۳۸.
۲۳. همان، ص. ۱۳۹.
۲۴. همان، ص. ۱۴۶.

-
٢٥. همان، ص. ١٤٦-١٤٧.
٢٦. همان، ص. ١٨٥.
٢٧. همان، ص. ١٨٤.
٢٨. همان، ص. ٢١١-٢١٠.
٢٩. همان، ص. ٢١١.
٣٠. همان، ص. ٢١٢.
٣١. همان.
٣٢. همان، ص. ٢١٣.
٣٣. بدیع الزمان فروزانفر، *تاریخ ادبیات ایران*، ص. ٣٨٣.
٣٤. سعدی، گلستان، باب اول درسیرت پادشاهان، حکایت شماره ١٠٥، گنجور.